

آینده جهان اسلام. کدام اسلام؟
اسلام جهانی (جهان وطنی) یا اسلام عربی (قومیگرائی و ملیگرائی)
اسلام خدائی (جهان وطنی) یا اسلام عربی (قومیگرائی و ملیگرائی)

آینده جهان اسلام



Salem [peace] an ancient city where Melchizedek was king and priest. (Gen 14:18) The Hebrew spelling of "SALEM" suggests a dual form and Therefore the word may be defined as "twofold peace" That the name Means "peace" confirmed by the inspired words of Hebrews 7:2 "SALEM" is in fact incorporated in the name "urshalem" (Abraham time) Jerusalem" (Jesus time) and "mosalem" (mohammad time)

با سلام,

تنها دیدگاه جهانی برای آینده اسلام است. دین، صلح و دوستی. ولی سوال اینست کدام اسلام؟

اسلام خدائی (جهان وطنی) یا اسلام (قومیگرائی و ملیگرائی) عرب.

سوره ال عمران آیه 19 دین نزد خدا اسلام است...

سوره ال عمران آیه 85 کسی که جز اسلام را بعنوان دین بپذیرد از او پذیرفته نمی شود

در رابطه با حضرت نوح سوره یونس آیات 71-72

در رابطه با حضرت ابراهیم سوره عمران آیه 67

در رابطه با اسماعیل و اسحق و یعقوب سوره بقره آیه 133

در رابطه با یوسف سوره یوسف آیه 101

در رابطه با موسی سوره یونس آیه 84

در رابطه با قوم بنی اسرائیل سوره یونس آیه 90

در رابطه با سلیمان سوره نمل آیات 24-31

در رابطه با ملکه سبا سوره نمل آیه 44

در رابطه با حضرت عیسی سوره عمران آیه 52

پس می بینیم دین نزد تمام پیام آوران اسلام بوده و حضرت محمد(ص) اولین عربی است که به اسلام ایمان می آورد. انعام آیه 14 و 163 الزمر آیه 11-12 در رابطه با اسلام

کلمه اسلام از شهر اورشلیم گرفته شده (Urshalem) چرا که یهود بخاطر نداشتن (س) از حرف (ش) استفاده می نمایند. در زمان حضرت ابراهیم سفر پیدایش باب 14 آیه 18

ملک صدیق و ملک سالم نان و شراب بیرون آورد و او کاهن خدای تعالی بود.

کلمه اسلام در زبان عبری به معنی صلح (Peace) می باشد و آن تائید می شود با عبرانیان باب 7 آیه 2

همانطور که می بینیم در زمان حضرت ابراهیم Urshalem در زمان حضرت عیسی Jerusalem در زمان حضرت محمد(ص) Mosalem و هر سه در کلمه سلام مشترک می باشند.

پس همانطور که می بینیم یهودیت و مسیحیت و محمدی شاخه ای از اسلام است.

سوره حج آیه 78

خداوند برای شما در دین بیچارگی قرار نداده است این آئین پدر شما ابراهیم است او شما را مسلمان نامیده است تا قبل از آن که این شریعت (منظور حضرت محمد) آمده باشد.

بسیاری از نویسندگان قرون وسطی و محققان و سیاحان کنونی جهان، مکانهای مقدس مسلمانان را مورد مطالعه قرار داده و اهمیت بناهای بیشماری را که در این مکان وجود دارد توصیف نموده و یا تصویرنگاری کرده اند که فقط توصیف و تشریح این مکانها مورد نظر جهانیان نمی باشد، بلکه این مسئله مطرح است که این مکانهای مقدس و معماری فعلی آن دلالت بر زمانهای اولیه اسلام می کند؟ و اگر چنین نیست، به چه دوره ای مربوط می شود؟ و این مکانهای مقدس به یادبود چه چیزی ساخته شده و به چه زمانی مربوط است.

بحث مطلب مربوط به اورشلیم (Urshalem) و بخصوص حرم، در قرون وسطی توسط پدر مارمرجی (Marmarjini) بطور ساده شکافته شده و اکثر نوشته های او به زبان انگلیسی [1]، آلمانی [2] و روسی [3] ترجمه شده است. بعلاوه کتیبه های پیدا شده بر روی حرم توسط ماکس ون برهم (Max-Van-Berhem) تجزیه و تحلیل شده و به چاپ رسیده است.

به غیر از میدنیکوو (ند که قبه الصخره به علت واقعه ای سنتی و مذهبی، در زمان حضرت عیسی در اورشلیم (UrshalemMiednikov) که نتایج کارهایش توسط کاتنی (Catani) در آنولی - دل - اسلام (Annali-Dell-) (Islam) به چاپ رسیده و قسمت بیشتر آن مورد تائید قرار گرفته است، سایر نویسندگان در موارد بسیاری فقط به

وصف آن پرداخته و به روشن کردن موقعیت جغرافیایی مکانهای مقدس قانع بوده و بندرت سعی نموده اند که این ابنیه و آثار را از نظر فلسفی و علمی مورد بررسی قرار دهند و تجزیه و تحلیل نمایند. اگر بخواهیم مطمئن باشیم این مکانهای مقدس بر چه اساس و سنتی ساخته شده شاید کمی مشکل باشد، اما با ظهور حضرت محمد و اشاعه اسلام، تعالیم مذهب و ایمان به آن به صورت خیلی ساده بوده است. ولی باید اعتراف نمود که بصورت سیستماتیک نبوده، و در بیشتر نوشته هایی که بعنوان وقایع سنتی مطرح شده بخوبی دیده می شود.

البته اغلب جغرافیدانان و سیاحان که بر روی تصویرنگاری بناهای اورشلیم، تحقیقاتی انجام داده اند بطور مرتب از محراب، کعبه، مقام ابراهیم نام برده اند که می توان آنها را با آیات قرآن (سوره 38 آیه های 20، 21 و سوره 3 آیه های 37 و 39 و سوره 19 آیه 11) تطبیق نمود... همچنین شایع است که قبه الصخره (Dom of Rock) بعنوان یک بنای یادبود در ارتباط با وقایع حضرت محمد ساخته شده است. [4]

اما عده ای عقیده دارند و می گویند ساخته شده و مربوط به زمان ظهور مسیح می باشد و این موضوعی است که باید مورد بررسی قرار گیرد تا روشن شود مسجدالحرام و مسجدالاقصی که در قرآن از آن صحبت شده در کجا واقع شده است. چرا شهر فلسطین در زمان امیه و مملوک اهمیت بیشتری نسبت به زمان فاطمیه و عباسیان داشته است؟

آیا تمام وقایع و سنتهایی که پس از حضرت محمد(ص) درباره او به تحریر درآمده است، در چه زمانی صورت گرفته؟ و بناهای یادبود در اورشلیم و ساختمان مسجد بر مبنای چه فلسفه علمی پایه گذاری شده است؟ مثلاً بیش از تسلط اعراب یا بعد از آن؟ پس از فوت حضرت محمد چه اتفاقی افتاده است؟

در ارتباط با (Urshalem) و حرم، ما با يك منطقه جدید مواجه نیستیم، بلکه با یکی از قدیمی ترین مکانهای مقدس روی زمین روبرو می باشیم.

مسجدالاقصی مطمئناً چندین بار تجدید بنا شده است. لیکن مطالعات انجام شده توسط گرسول ساواجت (K.A.C.Greswell-Sauvget) و بخصوص هامیلتون (R.W.Hamilton) انگیزه خوبی برای فکر کردن راجع به طبیعت و ساختن این مساجد به ما می دهد. مخصوصاً درباره اهمیت قبه الصخره، نه بخاطر اینکه اولین بنای مهم مذهبی در اسلام محمدی (منظور دکترینی که حضرت محمد در قرن ششم مطرح نموده) است، بلکه بخاطر اینکه اولین بنای مذهبی می باشد که بوسیله استادان فن در خاور میانه ساخته شده است. سوالی که مطرح می باشد این است که علت ظهور حضرت محمد بر مبنای چه فلسفه علمی و تاریخی صورت گرفت و چه دکترینی در قرن ششم مطرح نموده اند.

چرا حضرت محمد قبله اعراب جاهلی را تغییر داد؟ چرا اورشلیم در قرآن بعنوان قبله مسلمانان مطرح می شود؟ (سوره حج آیات 33، 34 و 67)

33- برای شما است در آن سودهایی تا سرآمدی نامبرده سپس فرودگاهش به سوی خانه کهن (بیت العتیق)

34- و برای هر ملتی قرار دادیم پرستشگاهی تا بگردند نام خدا را بر آنچه روزیشان داد...

67- و برای هر ملتی قرار دادیم پرستشگاهی که ایشانند رونده آن پس نستیزند با تو در کار...

نکته مهم: در بیت العتیق برای هر ملتی پرستشگاهی در نظر گرفته شده است. همچنانکه می دانیم در مکه هیچ مکان مقدسی برای ملتهای دیگر وجود ندارد.

ناصر خسرو، سفرنامه نویسنده معروف پارسی، از اولین کسانی است که سعی نمود یک توصیف جامع، از ساختمان حرم نموده و قبه الصخره، نیز بعنوان مکانی که حضرت محمد در آن نماز گزارده، نام برده است. [5]

البته شکی نیست که حرم، در منطقه ای که معبد مسلمان، قرار داشته بنا شده است. سلیمان پسر داود وقتی که به پادشاهی اسرائیل رسید به ساختن معبد بزرگ و همچنین دیوار مهم شهر اقدام نمود.[6]

پیش از اینکه آثار تاریخی اورشلیم و نوشته های مورخین را مورد بررسی قرار دهیم بهتر این است که مبنای حرکت خود را از روی تورات و انجیل و قرآن آغاز نمایم. چراکه این سه کتاب از دستبرد تاریخی جباران و مورخین خیالپرداز محفوظ مانده است. (حداقل از قرن اول میلادی و یا بهتر بگوئیم قرن ششم در رابطه با قرآن) چراکه حقایق در هر سه کتاب به صورت واضح و روشن بیان گردیده است.

لغت اسلام از کلمه دارالسلام، به معنی صلح، گرفته شده است. (سوره 6 آیه 127، سوره 10 آیه 25)، (سفر پیدایش، باب 14 آیه 18)، (مزامیر داود، باب 76 آیه 2، رساله به عبرانیان، باب 7 آیه 1 و 2)

سوره انعام-127- آنانراست خانه سلام (دارالسلام) نزد پروردگار خویش و او است دوست ایشان بدانچه بودند می کردند.

سوره یونس-25- و خدا می خواند به سوی خانه سلام و هدایت کند هر که را خواهد به سوی راهی راست.

سفر پیدایش باب 14-18- و مَلِكِيصَدَقَ مَلِكِ سَلَامِ (Salem) نان و شراب بیرون آورد و او کاهن خدای تعالی بود.

مزامیر داود باب 76، آیه 2- خیمه او در شالیم[7] رساله به عبرانیان باب 7 آیه 1- زیرا این مَلِكِيصَدَقَ پادشاه شالیم (Salem) و کاهن خدای تعالی هنگامیکه ابراهیم...

2- و ابراهیم نیز از همه چیز ده یک بدو داد که او اول ترجمه شده پادشاه عدالت و بعد مَلِكِ سَلَامِ (Salem) نیز یعنی پادشاه سلامتی.

همانطور که می دانیم شهر قدیمی بیوس (Yebus) در نقطه ای که به نام اورشلیم معروف است قرار داشته که در سال 1900 قبل از میلاد در زمان حضرت ابراهیم به این محل (سلام) می گفتند و در کتیبه ای که در مصر (Tell-el-Amana) در کنار رود نیل، در حدود 200 مایلی جنوب قاهره، پیدا شده گویای این واقعیت است که در آن زمان هم اورشلیم نامیده شده بود. و در کتاب صحیفه یوشع بن نون، کتاب داوران و سموئیل بنی نیز پیش از تصرف داود، از این شهر بنام اورشلیم نام برده شده است. (صحیفه یوشع، باب 10 آیات 23، 5، 3 و 1، باب 12 آیه 10، باب 15 آیات 36 و 8، باب 18 آیه 28)، سفر داوران باب اول آیات 21، 8 و 7، باب 19 آیه 10)، (کتاب اول سموئیل باب 17 آیه 54). (فقط در دو آیه از شهر بیوس (Yebus) نام برده شده است (سفر داوران باب 19 آیات 10-11 اول تواریخ باب 11 آیه 45) سفر داوران باب 19)

10- اما آن مرد قبول نکرد که شب را بماند پس برخاسته روانه شد و به مقابل بیوس که اورشلیم باشد رسید و دو الاغ پالان شده و کنیزش همراه وی بود.

11- و چون ایشان نزد بیوس رسیدند نزدیک به غروب بود غلام به آقای خود گفت بیا و به این شهر بیوسان برگشته شب را در آن بسر بریم.

بنابراین مشاهده می شود که لغت اورشلیم نام اصلی شهر است و فقط بعد از اینکه شهر توسط بیوسان تصرف گردید به نام بیوس نامگذاری شده و زمانی هم که داود این شهر را تسخیر کرد بنام شهر داود معروف گردیده است. (دوم سموئیل باب 15 آیه 7)

بیوسیان که در این منطقه و حومه آن ساکن شدند از نسل حام و کنعان بودند. (سفر پیدایش باب 10 آیات 20، 16 و 10، اول تواریخ باب 1 آیات 13-14) نام بیوسیان بدین جهت در آیات فوق در آخر نام برده شده که تعداد آنها بیشمار بوده. (سفر تثنیه باب 7 آیه 1)، (سفر داوران باب 3 آیه 5) و از آنان بعنوان مردمانی که سرزمینشان

حاصلخیز بوده نام برده شده است. (سفر پیدایش باب 15 آیات 18 تا 33) و بعدها داود قسمت تحتانی تا شمال آن را از ارونه (Araunah) خریداری نمود و در آنجا محلی برای قربانی نمودن بنا کرد. (کتاب دوم سموئیل باب 24 آیات 15 و 16، اول تواریخ باب 21 آیات 18، 18 و 28) و در همین محل بود که بعداً سلیمان معبد را بنا نمود.

سوره انبیا-81- و برای سلیمان باد را سخت وزنده روانه می شد بفرمان او بسوی سرزمینی که برکت نهادیم (بارکنا) در آن بودیم و بودیم بهر چیز دانایان.

نکته ای که در این آیه قابل توجه می باشد این است - سرزمینی که برکت نهادیم - و اشاره به اورشلیم می باشد و بجا است که کلمه (بارکنا) را در آیات دیگر قرآن مورد بررسی قرار دهیم تا ببینیم به چه محلی اطلاق می شود. (سوره 21 آیات 71 و 81، سوره 7 آیه 137، سوره 17 آیه 1).

71- و رهانیدیم او (ابراهیم) و لوط را بسوی سرزمینی که برکت نهادیم در آن برای جهانیان.

لوط نوه تارح (Tareh) و پسرها را، برادرزاده ابراهیم بود. (سفر پیدایش باب 11 آیه 27). پدر لوط به نام (هارا) در شهر اور (Ur) وفات نمود، سپس لوط همراه تارح و ابراهیم و سارا از اور کلدانیان خارج شدند تا به سرزمین کنعان بروند و زمانی که به حران رسیده در آنجا توقف نموده و تارح فوت نمود.

لوط با ابراهیم و سارا به کنعان آمدند و پس از آن عازم مصر شدند (سفر پیدایش باب 12 آیات 4 و 8، باب 3 آیه 1، سوره انبیا آیات 50 تا 71).

وقتی که همراهان لوط به سرزمین کنعان مراجعت نمودند به علت کثرت نفوس، آنجا برایشان قابل سکونت نبود و لذا از یکدیگر جدا شدند. به همین دلیل لوط و همراهان به طرف اردن رفتند و در کنار سدوم مسکن گزیدند (سفر پیدایش باب 13 آیات 8 تا 12).

سدومیان که در جهالت بسر می بردند، لوط را که مردی درستکار بود تکذیب می کردند. (سوره شعرا آیات 161 و 162، سوره هود آیه 77 دوم پطرس باب 2 آیات 7 و 8) بهنگامی که دونفر مهمان به سدوم وارد شدند [8] و لوط ایشان را به خانه خود دعوت نمود. اهالی سدوم خانه او را محاصره نمودند و خواستار ملاقات ایشان شدند و لوط به حمایت از مهمانان برخاست، لذا در اثر این برخورد جاهلانه و بنابه توصیه مهمانان لوط و دو دخترش بجز همسرش از شهر خارج شدند. (سفر پیدایش باب 19 آیات 26-15، سوره 11 آیه 11، سوره 37 آیات 135-133، سوره 29 آیات 31 و 32 و 33) بنابراین ملاحظه می کنیم لوط به سرزمینی وارد شده که همان اورشلیم می باشد و ابراهیم نیز در آن ساکن بود.

سوره 7 آیه 137- و ارث دادیم به گروهی که ناتوان شمرده می شدند. خاورها و باخترهای سرزمین را که در آنها برکت نهادیم و انجام گرفت سخن نکوی پروردگارت بر بنی اسرائیل بدانچه شکیبیا شدند و واژگون ساختیم آنچه را می ساختند فرعون و قومش و آنچه می افراشتند.

راجع به زندگانی ابراهیم در قرآن آیات زیادی وجود ندارد بجز چندین آیه که بوسیله حضرت محمد در قرن هفتم و حضرت عیسی در قرن اول میلادی، از نظر علمی مورد مجادله قرار گرفته است که بعداً درباره آن بحث می شود.

ابراهیم

ابراهیم در اور (Ur) از بلاد کلدان نزدیک به محل تلاقی دو رودخانه دجله و فرات متولد شد. این شهر در حدود 150 مایلی جنوب نیمرود است که زمانی مرکز تمدن بابل بود. بابلیان در آن زمان به ماه پرستی اعتقاد داشتند. (صحیفه یوشع باب 24 آیات 2 و 14 و 15) و ابراهیم پس از آنکه با برادرزاده خود لوط و همسرش سارا به سرزمین کنعان آمده در بیت (نیل) مسکن گزیده و پس از برگشت از مصر هم باز بدین مکان مراجعت نمودند.

ابراهیم بخاطر اینکه از همسرش سارا فرزندی نداشت، کنیز خود هاجر را به زنی گرفت و از او (اسماعیل) متولد شد و در همین زمان بود که سنت ختنه کردن مرسوم گردید و پس از آن از همسر اول خود سارا هم صاحب فرزندی گردید که او را (اسحاق) نامیدند. اسماعیل پس از آنکه پدرش را ترک نمود با مادرش به پاران [9] رفته و در آنجا خد به شکار مشغول شد. (سفر پیدایش باب 21 آیات 20 و 21)

پاران

قسمت بزرگی از بیابان صحرائی سینا می باشد که قوم یهود بمدت چهل سال در آن سرگردان بوده (سفر اعداد باب 14 آیات 33 و 34، سوره 5 آیه 26).

پاران دارای محدوده مشخصی نیست و در قسمت شمال شرقی مرکز شبه جزیره سینا واقع شده است. قسمت شرقی آن در ه ریف (Rift) که به اربه (Arabah) و قسمت جنوبی آن به خلیج عقبه و قسمت شمال و شمال غربی بیابان ایثام (Etham) و شور (Shur)، به طرف دریای مرده (Dead Sea) و از طرف شمال شرقی به بیابان صین (Zin) محدود می شود.

در تورات برای اولین بار در زمان لوط به پاران اشاره شد که (کدرلا عمر) با هم پیمانانش تعدادی از شهرهای محدوده ادم (Edom) و دریای مرده را تصرف نمودند. (سفر پیدایش باب 14 آیات 6-4).

مطابق ترجمه یونانی تورات که در واتیکان تحت شماره 1290 ضبط شده است حضرت داود پس از فوت سموئیل برای دفن او به بیابان ماون (Maon) رفته بود. ولی متون قدیمی سوری و ترجمه متون دیگری در اسکندریه اشاره به بیابان پاران می نمایند. (اول سموئیل باب 25 آیه 1). یکی دیگر از مکانهایی که در ارتباط با وقایع حضرت ابراهیم در تورات مطرح شده است بیر شبع (Beer-Sheba) می باشد که ابراهیم، اسماعیل را به آنجا روانه کرد. (سفر پیدایش باب 21 آیه 14).

بیر شبع

محل جاه بعداً به شهری که در جنوب جودا (Judah) واقع می باشد اطلاق شده است و در محل فعلی بیر - اس - سبا (Bir-Es-Saba) در طرف شمال دره اس - سبا (Es-Saba) یا تل - اس - سبا (Tell-Es-Saba) با چندین مایل انحراف به شرق و درست در میان ساحل مدیترانه و قسمت جنوبی دریای مرده در حدود 45 کیلومتری جنوب غربی هبرون (Hebron) و در حدود همین مسافت به طرف جنوب شرقی کاذا (Gaza) واقع شده است.

ابراهیم به سبب چاه آبی که خادمان ابی ملک از او بزور گرفته بودند معترض شد و ابی ملک اظهار بی اطلاعی نموده و گفت من نمی دانم که چه کسی اینکار را انجام داده است و ابراهیم ابی ملک را تنبیه کرد به سبب چاه آبی که خادمان ابی ملک هفت بره ماده از ابراهیم بعنوان شهادت برای حفر چاهی که ابراهیم بنا نموده بود گرفت. ابراهیم این محل را بیر شبع نام نهاد، زیرا هر دو نام هم پیمان شدند (سفر پیدایش باب 21 آیه 31) اولین باری که در تورات از این محل نام برده می شود، زمانی است که ابراهیم نان و مشکي از آب به هاجر می دهد و او با اسماعیل در بیابان بیر شبع سرگردان می شود که به چاه آبی می رسد و پس از آن در صحرائی پاران ساکن می شود.

و از این محل بود که ابراهیم اسحق را برداشته به طرف کوه موریا (Moriah) و در آنجا قربانگهی بنا نمود و گوسفندی را قربانی نمود.

در تورات (سفر پیدایش باب بیست و دوم) در رابطه با موضوع قربانی از اسحاق نام برده شده است. [10]

این دکترین در قرن اول میلادی به وسیله حضرت عیسی در رابطه با فرزند اول اسحاق عیسی بوده و در قرن ششم میلادی بوسیله حضرت محمد با اعتراض مواجه شده زیرا که در حقیقت قربانی اصلی از نظر نبوت، اسماعیل بوده نه اسحاق. و آیاتی از قرآن (سوره بقره آیه 125 و 126) حاکی از این مسئله است.

125- و هنگامیکه گردانیدیم خانه را بازگشتگاهی برای مردم و امنی و برگزید از مقام ابراهیم نمازگاهی و سپردیم به ابراهیم و اسماعیل [11] که پاک دارید خانه مرا برای طواف کنندگان

126- و هنگامیکه گفت ابراهیم پروردگارا بگردان این را شهرستانی امن و روزی ده اهلش را از ثمرات آنکه ایمان آورده است از ایشان به خدا و روز بازپسین. همچنین حضرت عیسی و شاگردان او بیش از هفتادبار در نوشته ها و گفته هایش اشاره به حضرت ابراهیم نموده اند. مثلاً در شرح مرد ثروتمند و گدا، حضرت عیسی اشاره به ابراهیم می نماید دال بر وظیفه (انجیل یوحنا باب 16 آیات 16 تا 19) و زمانی که پیروان عیسی به او اظهار داشتند که ما اولاد ابراهیم می باشیم، عیسی بلافاصله در جواب اظهار داشت که اگر پدر شما ابراهیم است کاری را انجام دهید که ابراهیم انجام داد. انجیل یوحنا (باب 8 آیات 31 تا 58)، انجیل متی (باب 3 آیات 9 و 10)

پس می بینیم حضرت ابراهیم در اورشلیم بود که مذبحی برپا نمود برای قربانی (آیه 96 سوره 3) اشاره به محل آن می باشد.

96- همانا نخست خانه که بپا شد برای مردم آنست که در (بکه) مبارکه و هدایتی برای جهانیان.

در رساله یونس بغلاطیان (باب 4 آیات 22 تا 31) درباره ابراهیم زیاد بحث نمی نماید و فقط به دو همسر او اشاره می نماید.

25- لیکن پسر کنیز برحسب جسم تولد یافت و پسر آزاد برحسب وعده.

26- و این امور بطور مثال گفته شد، زیرا که این دو زن حاصل دو عهد می باشد یکی از کوه سینا برای بندگی، می زاید و آن هاجر است.

27- زیرا که هاجر کوه سینا است در عرب و مطابق است با (اورشلمی) که موجود است زیرا که با فرزندانش در بندگی است.

بکه (بکا) در زمان داود و مخالفت فلسطینیان بخاطر پادشاهی او نقش مهم و تاریخی داشته و در قسمت پائینی شهر قدیم اورشلیم (Urshalem) قرار داشته است. (مزامیر داود باب 84 آیه 6)

6- چون از وادی بکا عبور می کنند آن را چشمه (استخر) می سازند و باران آن را به برکات می پوشاند.

در این آیه اشاره به استخر یا محل ذخیره آبی می شود که در قسمت جنوب شهر داود (Salem) در جایی که در دره هینوم (Hinnom) و دره مرکزی تیروپین (Tyropean) یکدیگر را قطع می کنند قرار داشته که به نام استخر پائین نیز معروف بوده است. این استخر در کتاب نحیمیا (Nahemiah) به نام استخر شلح آمده و نزدیک باغ پادشاه قرار داشته است. (کتاب نحیمیا باب 3 آیه 15)

15- شلون بن کلحوزه رئیس بلد مصفیه دروازه چشمه را تعمیر نمود. او آن را بنا کرده و سقف آن را ساخت و درهایش را قفلها و پشتبندهایش برپا نمود و حصار برکه شلح (The pool of Shaleh) را نزد باغ پادشاه نیز تازینه که شهر داود فرود می آید.

بعضی از مورخین اظهار می دارند که شلح باید به نام شیلو (Shiloah) به معنی فرستنده اصلاح شود و بعضی از مفسرین هم آن را به همان نام قبول دارند و ارتباط می دهند به کانالهایی که آب را به استخر می ریخته است. (کتاب اشیا نبی باب 8 آیه 6)

آثاری که از این کانال برجا مانده مشخص می کند که این کانال در جنوب چشمه جیحون (Gihon) تا دره کیدرون (Kidron) ادامه داشته و به مخزن آب (استخر) یا محل برکه (حمر) که درست همان محلی است که در کتاب نحیما آمده است - نزدیک باغ پادشاه - خاتمه یافته است و این محل در زمان حضرت عیسی به نام استخر سیلوم (Silom) معروف بوده است. در قدیم این محل را (رفائیم) می نامیدند که در دره بکا (بکه) قرار داشته و دره وسیعی بود در اورشلیم و این نام را از مردم (رفیم) گرفته بودند که اشخاص قلدری بوده و زمانی در آنجا زندگی می کردند و پس از آنکه داود خود را بعنوان پادشاه اسرائیل معرفی نمود، جمیع فلسطینیان برآمدند تا داود را بطلبند و چون داود این واقعه را شنید به قلعه فرود آمد و فلسطینیان آمده در وادی (رفائیم) پخش شدند (کتاب دوم سموئیل، باب 5 آیات 17 تا 25)، (اول تواریخ باب 14 آیات 8 تا 17) و این محل در سرحد جودا و بنجامین قرار داشته است. (صحیفه یوشع آ باب 15 آیات 1 و 8، باب 18 آیات 16 تا ...) که در قسمت پایانی آن کوهستانی است که روبروی دره هینوم قرار گرفته و زمانی که اسرائیلیان کنترل شهر بیوس را به عهده گرفته بودند آنجا را به نام شهر داود نامیدند (دوم سموئیل باب 5). این واقعه در اواخر دوره آهن اتفاق افتاد (سوره سبا آیات 10، 11 و 12) و در همین زمان بود که تابوت خداوند که موسی و هارون نتوانستند آن را به اورشلیم حمل کنند به آنجا آورده شد. (دوم سموئیل باب 6، سوره بقره آیه 248).

248- و گفت بدیشان پیامبرشان همانا نشانی پادشاهی او آنست که بیاید شما را تابوت در آن آرامشی از پروردگار شما و بازمانده از آنچه بازگذارند خاندان موسی و هارون که حمل کنندش فرشتگان همانا در اینست نشانی ای برای شما اگر هستید مومنان و در همین محل بود که داود مذبحی برای خداوند برپا نمود (دوم سموئیل باب 24 آیه 18، باب 6 آیه 17).

18- و در آن روز (جاد) نزد داود آمده گفت برو مذبحی در خرمنگاه ارونه (Aranah) بیوسی برای خداوند برپا کن.

البته محل دقیق خیمه و چادر داود، که تابوت در آن قرار داشت، مشخص نیست. ولی بعضی مفسرین عقیده دارند که معبد سلیمان در پشت محلی که خیمه داود برپا بود ساخته شده است و تابوت خداوند که در خیمه داود بود باید به محلی در عقب دیوار معبد حمل شده باشد. (اول پادشاهان باب 8 آیه 21، سوره 18 آیه 21)

کوه (موریه) که شهر قدیمی داود در قسمت تحتانی آن قرار دارد، مجموعاً در حدود 4 هکتار می باشد و در قسمت شرقی آن (دره کیدرون) قرار گرفته و در آنجا چشمه ای قرار دارد به نام جیحون (Gihon) (کتاب دوم تواریخ امام باب 33 آیه 30) در سال 1867 چارلز وارن (Charles-Warren) تونل آبی کشف نمود که متصل به این چشمه بوده و در حدود 15 متر و آن مخزن آبی قرار داشته که در حدود 12 متر با سطح زمین فاصله داشته که به وسیله طناب و سطل از آن آب می کشیدند و یک دماغه مورب مانند، بصورت کانالی در حدود 46 متر آن را به شهر متصل می کرده است. و این تصور را بوجود می آورد که بیوسیان برای آوردن آب از این راه استفاده می نمودند، بدون اینکه بخواهند از شهر خارج شوند و حفاریهای باستانشناسی تأیید می کند که یک کانال از این چشمه به طرف غرب شهر داود کشیده شده بود.

در کتیبه ای که در سال 1880 میلادی پیدا شده است و مربوط به قرن هشتم قبل از میلاد می باشد در روی دیوارهای تونل که در بین سنگها زده شده، نشان می دهد که کارگران از دو طرف مشغول کار بوده اند و در وسط به هم رسیده اند و اینک به استخر سیلوم (Silom) معروف است، که آب را از چشمه جیحون به این استخر متصل می نموده (کتاب دوم پادشاهان باب 20 آیه 20).

بنابر این این استخر همان محلی است که در (مزامیر داود، باب 84 آیه 6) به آن اشاره شده است.

يکي ديگر از وقايع مشترك در قرآن و تورات درباره حضرت موسي مي باشد. همانطور که مي دانيم حضرت موسي پس از خروج از مصر به مدين (Midian) مهاجرت نمود. (سفر خروج، باب 2، آيات 1 تا 16)، (کتاب اعمال رسولان باب 7 آيات 23 تا 29)، (مقايسه شود با سوره 20 آيه 40، سوره 28 آيات 1 تا 23)

ناحيه نزديک پاران و در طرف شرق ادوم (Edom) قسمتي از مدين مي باشد که پسر پادشاه ادوم به آنجا مهاجرت نمود (اول پادشاهان باب 11 آيه 18-14)

حضرت موسي در کنار چاه آب بود که با دختران کاهن مدين که براي برداشتن آب آمده بودند آشنا گرديد و سپس او را به خانه دعوت نمودند و بعداً به استخدام کاهن مدين درآمده و سپس با يکي از دختران او به نام صفورا ازدواج نمود. (سفر خروج باب 2 آيات 15 تا 22، باب 18 آيات 2 تا 4، سوره 28 آيات 22 تا 88)

موسي گوسفندان پدر زن خود يترون (Jethro) را به نزديک کوه هوريب به صحرا آورده بود و در کنار طور آتشي از بوته اي مشاهده نمود (سفر خروج باب 2 آيات 1 تا 5، سوره 28 آيات 30-29، کتب اعمال رسولان باب 7 آيات 30 تا 34). حضرت موسي در اينجا اعتراف مي کند به کشتن يك مصري [12] و اينکه در صحبت کردن مهارت چنداني نداشته است (سوره 28 آيات 33 و 34) و سپس از اين محل که به وسيله برادرش هارون رهسپار مصر مي شود تا قوم بني اسرائيل را به سرزمين کنعان بياورد. (سوره 7 آيات 103 تا 134، سوره 23 آيات 44 تا 47، سوره 26 آيات 9 تا 66، سفر خروج باب 5 آيات 1 تا 33، سفر خروج باب هاي 7 و 8 و 9 و 10 و 11 و 12، کتاب اعمال رسولان باب 7 آيات 38-23)

پس مي بينيم حضرت موسي در اورشليم بود و سپس به مصر رفت و پس از خروج از مصر در کنار کوه (هور) برادرش هارون فوت مي نمايد. سپس حضرت موسي از عربات مواب (Arabat Mouab) به کوه (بنوبرقله فسجه) که در مقابل (اريجا) است آمده و در آنجا پيش از اينکه وارد اورشليم شود فوت مي نمايد.

البته آيات بسياري در قرآن وجود دارد که اشاره به دره مقدس (طور) و (خانه آبادان) و (شهر آرام) مي کند که البته اين آيات اشاره به اين است که مدين در جاي اورشليم فعلي قرار داشته است و کوه زيتون همان کوه طور مي باشد که اغلب محققين به آن اشاره نموده اند.

سوره قصص

29- پس کاهيکه پايان آورد موسي برآمد را و روان گشت با خاندان خویش دريافت از کنار طور آتشي را گفت به خاندان خویش درنگ کنيد که من آتشي احساس کردم باشد بيارمتان از اين آگهي با گيرانه اخگري شايد شما گرم شويد.

30- پس گاهي که آمد آنرا خوانده شد از کنار راست دره در سرزمين فرخنده [13] از درخت که اي موسي همانا منم خدا، پروردگار جهانيان.

44- و نبودي تو در کنار غربي هنگامي که گذرانديم بسوي موسي کار را و نبودي تو از گواهان.

45- ليکن ما پديد آورديم قرنهاي پس دراز شد براي شان عمر و نبودي تو جايگزين در مردم مدين بخواني براي شان آيتهاي ما را وليکن بوديم ما فرستندگان.

46- و نبودي تو در کنار طور هنگامي که فراخوانديم وليکن رحمتي از پروردگارت تا بترساني گروهي را که نيامدستشان بيم دهنده اي پيش از تو شايد يادآور شوند.

سوره بقره

63- و هنگامی که گرفتیم پیمان شما را و برافراشتیم بر فراز شما طور را بگیرد آنچه را به شما دادیم به نیرومندی و یاد آرید آنچه در آنست شاید پرهیزگاری کنید.

154- و برافراشتیم بر فراز ایشان طور را به پیمانشان و بدیشان گفتیم اندر آئید در را سجده کنان و بدیشان گفتیم که تجاوز نکنید در سبت و گرفتیم از ایشان پیمانی سخت. (مقایسه شود با آیه سوره بقره)

در این آیه اشاره به طور و در را سجده کنان اشاره به چه محلی می باشد؟

سوره طه

10- هنگامی که دید آتشی پس گفت به خاندان خویش درنگ کنید که من یافتم آتشی را شاید بیارم شمار را از آن اخگری یا بیابم بر آتش راهنمایی را.

11- پس هنگامی که بیامدش خوانده شد ای موسی.

12- همانا منم پروردگار تو پس درآور کفشهای خویش را که تویی بر دره مقدس طوی.

80- ای بنی اسرائیل همانا رهانیدیم شما را از دشمنان و وعده نهادیم بر شما کنار راست طور و فرستادیم بر شما من و سلوی را.

طور

1- قسم به طور

2- و نامه نوشته آید

3- در پوستی گسترده آید

4- و خانه آبادان

سوره تین

1- به انجیر و زیتون

2- و طور سینا

3- و این شهر آرام [14] (امن)

سوره مومنون

20- و درختی که بیرون می آید از طور سینا می روید با روغن و رنگی برای خورندگان. درخت زیتون یکی از معروفترین گیاهان و در حقیقت قابل اهمیت بسیار است. مانند درخت انگور و انجیر میوه آن به صورت خام و مصرف شده و یا ترشی انداخته می شود و مورد مصرف قرار بگیرد و معمولاً در حدود 30 درصد از وزن میوه آن روغن می باشد که مورد مصرف زیادی دارد و حتی در آن زمان برای روشن کردن چراغ مورد استفاده قرار می گرفته است. از یک درخت معمولی در سال می توان در حدود 37 تا 56 لیتر روغن به دست آورد که مصرف یک خانواده 5 تا 6 نفره را در سال تامین می نموده است.

در تورات برای اولین بار در زمان نوح به برگ زیتون اشاره می‌شود. که کیوتر هنگام برگشت بر منقار خود داشت. (سفر پیدایش باب 8 آیه 11)

در فلسطین درخت زیتون در بیشتر جاها روئیده می‌شود. مخصوصاً در سواحل مدیترانه و مرکز اورشلیم و (آیه 20 سوره مومنون) اشاره به درخت زیتون است که در کوه سینا (کوه زیتون [15]) روئیده می‌شد.

کوه زیتون در قسمت شرقی پس از دره (کیدرون) در اورشلیم قرار گرفته (حزقیال باب 11 آیه 23، زکریا باب 14 آیه 4، اعمال رسولان باب 1 آیه 12) و در زمان قدیم این کوه از درختان زیتون پوشیده شده بود و در زمانی که رومیان به آنجا حمله نمودند به سال 70 بعد از میلاد درختان آن را قطع نمودند. [16] امتداد کوه زیتون (سینا) حدود 106 کیلومتر از شمال شرقی به طرف جنوب غربی است و دارای چهار قله است. بنابر تحقیقات اخیر که انجام شده بلندی آن از سطح دریای مدیترانه 903 متر و از سطح (جورا سلام) حدود 122 متر می‌باشد.

یک سری از وقایع تورات در رابطه با این کوه می‌باشد (کتاب دوم سموئیل باب 15 آیات 14 و 30 و 32، اول پادشاهان باب 11 آیه 7) و حضرت عیسی شاکردانش را در باغ (چیسمانی) که در مجاورت کوه زیتون واقع بود ملاقات می‌نمود. (انجیل متی باب 21 آیات 30 و 36، یوحنا باب 18 آیات 1 و 2) و وقایعی دیگر...

بنابراین مشاهده می‌شود که تمام آیات قرآن و تورات اشاره به اورشلیم می‌باشد. البته هیچگونه شکی درباره اینکه حرم در جایی که قبلاً سلیمان [17] بنا نهاد، وجود ندارد. (کتاب دوم تواریخ باب 3 آیات 1 به بعد) و برای دلیل های خیلی روشن در مورد معبد سلیمان از نظر باستان شناسی و معماری با دقت به کتابهای (پادشاهان، باب 6 آیات 1 تا 7 و دوم تواریخ ایام باب 2 آیات 1 و 5 و 14 و قسمتی از آن در حزقیال نبی باب 40 آیات 3 به بعد) مراجعه نمود.

البته در اینجا طبیعتاً مقایسه معبد سلیمان با معبدهای کشف شده غیر اسرائیلی قابل توجه است. [18] تاسیس معبد همیشه نمایش قدرتی بود که بوسیله پادشاهان انجام می‌شد که اغلب از شاهزادگان شرقی سرچشمه می‌گرفت. اما سلیمان یک قصر کوچک برای خودش در کنار معبد ساخت و کوچک بودن این قصر هم دلالت بر قدردانی و بزرگداشت پدرش داده بود. [19] و در مقایسه با معبدهای ساخته شد در زمان برنز و آهن باید خاطر نشان ساخت که معبد سلیمان قدرتمندترین و بزرگترین آنها بوده.

همچنانکه ملاحظه می‌شود اورشلیم (جورسالم) از زمانهای اولیه بعنوان مرکز مقدس برای جهانیان مطرح بوده است و پس از ظهور حضرت محمد، در قرن ششم در مکه، و دکتربینی که ایشان مطرح نمودند، و اختلاف اعراب با ایشان مجبور شدند که از مکه مهاجرت کرده و قبله اعراب جاهلی را که شامل بتهای زیادی در مکه بود به اورشلیم تغییر دهند که آیات تغییر قبله (سوره بقره 150-142) در همین رابطه می‌باشد.

اینکه بجاست که ایه دیگری از قرآن را با سندهای تاریخی که بوسیله یکی از مستشرقین بیان گردیده است را مورد مطالعه قرار دهیم.

سوره 8 آیه 42- هنگامی که بودید برکنار فروردین دره و ایشان برکنار فرازین آن و کاروان فرودتر از شما و اگر وعده می‌گذارید با هم هرآینه اختلاف می‌کردند در وعده گاه.

نکته ای که مهم است (فروردین دره) و (فرازین دره) می‌باشد (بالعدوه الدنيا و هم بالعدوه القصوي) و لهاوزن [20] خاورشناس آلمانی یک متون تاریخی را ترجمه نموده که در آن از (مسجدالاقصي) و (مسجدالادني) و يك باغ نام برده است. "حضرت رسول وارد شهر جعرانا شد در شب پنجشنبه و پنج شب گذشته بود از ماه ذیقعد و در آنجا اقامت نمود 13 روز و آن شهر را در چهارشنبه که دوازده روز از ذیقعد باقی بود ترك نمود. او به احرام درآمد از فروردین دره تا فرازین دره (المسجدالاقصي الي بحيرالوادي بالعدمه القصوي [21]) و این محلی بود که حضرت رسول نماز گذاشت تا وقتی که رد جعرانا بود. در پشت مسجدالادني [22] يك مرد قریش يك باغي را بنا نموده بود. جایز نمی‌دانست رسول خدا گذشتن از دره را جز به احرام. ادامه می‌دارد لبیک گفتن را تا جایی که

بوسید و دست مالید به آن رکن. و گفته می شود وقتی که نگاهش به آن خانه افتاد قطع نمود لبیک گفتن را. وقتی که آمد خوابانید شتر خود را بر در بنی شیبیه و وارد شد و طواف نمود سه بار با گامهای معمولی از سنگ به سنگ. سپس خارج شد و طواف کرد بین صفا و مروه را در حالی که بر شتر خود سوار بود تا وقتی که پایان یافت در مروه در طواف هفتم تراشید سر او را (ابوهند غلام نبی بیاض)، گفته می شود تراشید سر او را (فراش پسر امیه) و او نیاورده بود هیچ قربانی پس برگشت حضرت رسول به جعرانه در شب هنگام و توقف نمود در آنجا آنشب. و روز پنجشنبه خارج شد...

نکاتی که در این متن قابل توجه است مکانهایی است که با مسجدالاقصی بیان گردیده است.

این متن که ولهاوزن ترجمه نموده از مغازی الواقدي می باشد.

و انتهى رسول الله صلعم إلي الجعرانة ليلة الخميس لخمس ليال خلون من ذي القعدة، فأقم بالجعرانة ثلاث عشرة، فلما أراد الانصراف إلي المدينة خرج من الجعرانة ليلة الأربعاء لاثنتي عشرة بقية من ذي القعدة ليلاً. فاحرم من المسجد الأقصى إلي بحير الوادي بالعودة القصوي، و كان مصلي رسول الله صلعم إذا كان بالجعرانة. فاما هذا المسجد الأدنى، فبناه رجل من قريش و اتخذ ذلك الحائط هنده، و لم يجز رسول الله صلعم الوادي إلا محرماً، فلم يزل يلبي حتي استلم الركن. و يقال لما نظر إلي البيت قطع التلبية، فلما أتى أناخ راحلته علي باب بني شيبية، و دخل و طاف ثلاثة أشواط يرمل من الحجر إلي الحجر. ثم خرج فطاف بين الصفا و المروة علي راحلته. حتي إذا انتهى إلي المروة في الطواف السابع خلف رأسه عند المروة، حلقة أبوهند عبد بني بيضة، و يقال حلقة خراش بن امية، و لم يسبق رسول الله صلعم منها هدياً. ثم انصرف رسول الله صلعم إلي الجعرانة من ليلة فكان كبانت بها. فلما رجع إلي الجعرانة خرج يوم الخميس فسلك في وادي الجعرانة، و سلك معه حتي خرج علي سرف، ثم أخذ الطريق حتي انتهى إلي مر الظهران.

این متن در موزه انگلستان تحت شماره [title/MS.Or;1617;fol.215b](http://MS.Or;1617;fol.215b) نگهداری می شود.

این متن را می توان مقایسه نمود با 15 مکان مقدسی که فزاری (Fazari) [23] توصیف نموده درباره خانه خدا در اورشلیم.

- 1- قبه المعراج - هر دو در صحن قبه الصخره
- 2- قبه الرسول
- 3- باب الرحمه - قسمتی از دروازه طلائی در طرف شرقی دیوار سوره 57 آیه 13
- 4- محراب زکریا - در مسجدالاقصی سوره عمران آیه 37 و 39
- 5- تخت سلیمان - در قسمت شمال باب الرحمه
- 6- باب سکینه - سوره بقره 248 سوره فتح 4 و 18، سوره توبه 26 و 40
- 7- باب توبه - دروازه خطه نزدیک باب الرحمه سوره بقره آیه 58، سوره اعراف آیه 161
- 8- محراب عمر و معاویه - در مسجدالاقصی سوره بنی اسرائیل آیه 8
- 9- باب رسول - دروازه پیامبر در شمال دیوار

10- محراب مریم - در قسمت جنوب شرقی در کنار روم

11- محراب داود - جایی که عمر نماز گذاشت سوره 28 آیات 20-21

12- جایی که پیامبر شترش را بست

13- کوه زیتون

14- یک محل شمال صخره مقدس

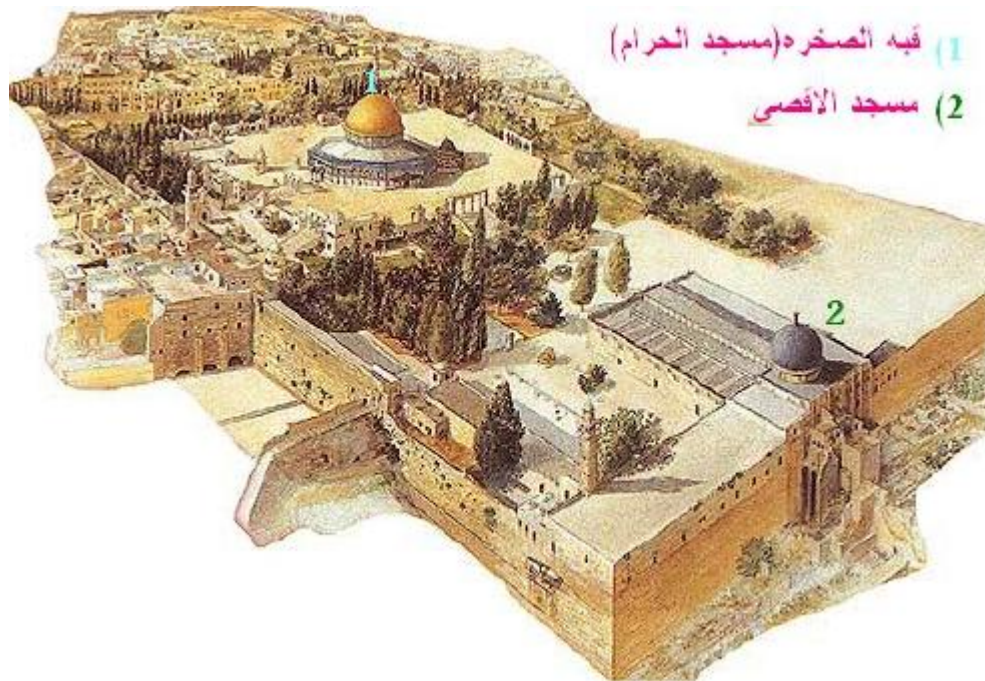
15- قبه بسته

سپس نویسنده مقصود از این مکانهای مقدس را تشریح می کند.

"این توالی که در نظر اول بی نظم به نظر می رسد و زیارت در خانه را به عقب و جلو نشان می دهد. زیارت به صورت حلقه وار به دور قبه الصخره چندین بار تکرار می شود و رفته رفته شعاع آن بزرگتر می شود و این مند به ما نشان می دهد که معنی این مکانها به مکانهای دیگر که ملاقات کنندگان قدم می زنند بصورت حلقه ای بود 1- از شماره 1 تا 5، 2- از شماره 6 تا 7، 3- از شماره 8 تا 9، 4- از شماره 10 تا 15 و در چهارمین دور طواف حرم را در شماره 12 ترک نموده و به زیارت کوه زیتون و سپس برگشت می کنند به همان قبه الصخره همان جایی که طواف آغاز شده."

همچنین فزاری (Fazari) در صفحه 26 کتاب خودش بیان می دارد که طواف در اورشلیم اجباری نبوده و زیارت این مکانها به صورت یک دایره و در یک مسیر بوده.

در ضمن نویسندگان دیگری مانند یعقوبی به زیارت حج در فلسطین که تا پایان حکومت امیه ادامه داشته اشاره می کنند.



پس می بینیم که این مکانهای مقدس که در قرآن از آن یاد شده همه در اورشلیم بوده نه مکه. مانند محراب داود - باب سکینه - باب الرحمه - محراب زکریا و... لازم به ذکر است که کوه موریه و معبد در طول تاریخ بعنوان مرکز جهان معروف بوده و آیه ای از قرآن چنین می فرماید. (بقره 143)

143- و بدینسان گردانیدیم شما را امتی میانه تا باشید گواهی بر مردم و باشد پیامبر گواهی بر شما و ننهادیم قبله را که بر آن بودی مگر تا بشناسیم آنرا که پیروی کننده پیغمبر را از آنکه بر پاشنه خود برگردد و همانا گران است آن مگر بر آنکه خدا هدایت کرده است و نیست خدا تباه کننده ایمان شما همانا خداوند است به مردم رؤف و مهربان.

از زمان حضرت ابراهیم تا تولد محمد(ص) حدود 2700 سال است اگر ابراهیم بنیان حج را در مکه قرار داد چرا هیچ يك از پیام آوران اسلام به مکه نرفته تا مراسم حج ابراهیمی را انجام دهند؟ این 2700 سال حج در کجا انجام شد این اسناد تاریخی که در زمان سلیمان و یا حضرت عیسی وجود دارد واقعیت ندارد.

سوره حج آیه 52- نفرستاده ایم پیش از تو رسول و یا نبی ای مگر هرگاه آرزو می کرد می افکند شیطان در آرزوی او پس بر می انداخت خدا آنچه را شیطان می افکند....

سوره سبا 43-44

44- در صورتی که ما هیچ کتابی که آن را بخوانند یا رسولی پیش از تو بر آنها نفرستادیم .

سوره یس آیه 6

5- تا بیم دهی قومی را که بیم داده نشدن پدران ایشان پس آنانند نا آگاهان .

سوره فرقان آیه 30

30- پیامبر گفت . ای پرورگار من . قوم من ترک قرآن گفته اند.

اگر پیش از حضرت محمد فرستاده یا نبی ای به سرزمین عربستان فرستاده نشد پس داستان ابراهیم و اسماعیل يك داستان تخیلی و خیال پردازی عرب نمی باشد؟

دوستان خانه خدا این دو هزار و هفتصد سال در کجا قرار داشت؟؟؟

حداقل این را می دانیم که از زمان حکومت هخامنشیان پس از فتح بابل بدست کوروش کبیر در سال 538 پیش از میلاد و فرمان آزادی قوم بنی اسرائیل از اسارت و برگشت آنها از تبعید به اورشلیم به فرمان او خانه خدا را که بوسیله بخت النصر ویران شده بود دستور بازسازی آن را صادر نمود.

عزرا باب 6 آیات 14 و 15

14- و مشایخ یهود به بنامودن مشغول شدند و برحسب نبوت حجي نبي و زکریا با این عدو کار را پیش بردند برحسب حکم خدای اسرائیل و فرمان کوروش و داریوش و ارتحشیستا پادشاهان فارس آن را بنا نموده به انجام رسانیدند.

15- و این خانه در روز سوم ماه آذار در سال ششم داریوش پادشاه تمام شد.

حال ببینیم قرآن درباره شهر مکه چه می گوید.

سوره بلد

1- قسم نمی خورم به این شهر

2- و توئی جایگزین در این شهر (مکه)

3- آفرید انسان را در رنج

که کلمه رنج خود مشخصه قسم نخوردن به آن شهر است. مولانا آنرا در مثنوی دفتر اول 1709 چنین مطرح می نماید:

عاشق رنج است نادان تا ابد خیز و لا اقسام بخوان تا فی کبد

از کبد فارغ بودم با روی تو وز زبد صافی بودم در جوی تو

پس می بینیم که حضرت محمد(ص) پس از آنکه دین ابراهیم را بعنوان دین توحیدی قبول نمود قبله خود را از مکه به سمت بیت المقدس تغییر داد.

سوره ال عمران

96- همانا نخست خانه که بپا شد برای مردم بکه مبارکه است و آنست هدایتی برای جهانیان.

97- در آنست آیت های مقام ابراهیم و کسبیکه در آیدش ایمن باشد.

بکه به معنی شیون و زاری و امروز به دیوار ندبه که محل شیون و زاری قوم یهود می باشد و مقدس ترین مکان برای ادیان اسلامی است.

سوره بنی اسرائیل آیه 7

اگر نیکی کنید به خود نیکی می کنید و اگر بدی کنید باز هم به خود می کنید و هنگامی که وعده آخر فرا رسید (آنچنانکه بر شما سخت خواهند گرفت) آثار غم و اندوه در صورت هایتان ظاهری شود و وارد مسجد می شوید همانطور که بار اول وارد شدید (بیت المقدس) و ویران خواهید کرد آنچه که در زیر سلطه خود گرفته اید. (مکه)

باتشکر:

- [1] A.S.Marmaji Buldaniyah Filastin Al-Arabiyah Beirut 1948 P.P 30-42, 243-301
- [2] Lestrangle, Palestine under the Mosalem London 1790 P.P 83-223
- [3] J.Gildmeister, Die, Arabischen Nachrichten Zur Geschichte der harambauten, Zeitschrift des deutschen Palastina vereins Vol-13-1990 P.P 1-24
- [4] The Ascension of the apostle and the heavenly book Uppsala 1950 and Mohammad the apostle of god and his ascension Uppsala 1951
- [5] Nasir-i-Khusrow in PPTS Vol 4-49 of below P.61
- [6] مقایسه با آیات قرآن سوره 27 آیه 16، سوره 38 آیه 30، سوره 21 آیه 78، اول پادشاهان باب 2 آیات 1 تا 9.
- [7] به خاطر لفظ (ش) که کلمه اورشلیم از آن گرفته شده و در حقیقت همان سالیم (Salem) می باشد.
- [8] درباره دو نفر مهمان فوق الذکر در داستان لوط به تفصیل شرح داده شده است. سفر پیدایش باب 19.
- [9] ابوریحان بیرونی در آثار الباقیه اشاره به پاران می کند که در عربستان وجود دارد، ولی خود اعتراف می کند که چون زبان عبری نمی داند نظریه یهودیان و مسیحیان را رد نمی کند.
- [10] در قرآن سوره هود آیه 71 اشاره به اینکه اسحاق مژده دادیمش، می شود.
- 71- و زنش ایستاده بود پس خندید، پس مژده دادیمش به اسحاق و از پی اسحاق یعقوب، سفر پیدایش باب 18 آیه 12- پس سارا در دل خود بخندید و گفت آیا ...
- [11] آیه 125 يك بحث علمي است درباره ابراهیم و اسماعیل (پدر و پسر) مطرح شده و هیچگونه ربطی به مکه ندارد که اعراب از آن استفاده می کنند. مقایسه (آیه 30 سوره 27) در رابطه با سلیمان.
- [12] اشاره به اینست که موسی دید شخص مصری یکی از برادران عبرانی را می زند.
- [13] نکته ای که قابل اهمیت می باشد این است که از کنار راست دره در سرزمین فرخنده از درخت می باشد و همانطور که بیان شد سرزمین فرخنده که در قرآن آمده است، اشاره به اورشلیم می باشد.
- سوره مائده آیه 20 و 21
- [14] مقایسه شود با آیات دیگر قرآن در رابطه با حضرت ابراهیم و شهر آرام.

[15] رساله پولس باب 4 آيه 27

[16] War of the jews Book V Chap. XII P.P 4

[17] سليمان پسر داود كه بعد از پدرش پادشاه اسرائيل شد. سوره 27 آيه 16، سوره 38 آيه 30، سوره 21 آيه 78، اول پادشاهان باب 2 آيات 1 تا 9.

[18] براي اطلاعات بيشتر درباره اين تئوري به مقاله هيكل

“Hekal” Thwat.Bd II 1975 Cols. 408 F

[19] اين تئوري جمع آوري شده بوسيله Busink 619 FF

[20] The magazine of Al-Wagidi (130-210) The next is to be found in British Museum M.S. or 1617 Fol. 1215 b.

[21] مقايسه شود با آيه 42 سوره 8

[22] همچنانكه مي دانيم اورشليم در قرآن به سرزمين نزديك معروف است. (سوره روم آيه 3)

[23] Fazari : Burhan-ad-Din b. Al-firkah al-Fazari Kitab ba it an-nufus ila ziarat al quds al-mahrus English Translation by Charles D.Mattews Palestine-Mohammeden Holy Land New Haven 1949 (Yale Oriental Series Vol. XXIV)